

## پیش‌بینی کیفیت زندگی براساس سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی در مهاجران افغان

شهلا زورمند بناب<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد (روان‌شناسی عمومی) - علامه طباطبائی تهران

فریده حسین ثابت<sup>۲</sup>

دکتری تخصصی (روان‌شناسی بالینی) - علامه طباطبائی تهران

### چکیده:

سابقه سه دهه حضور چشم‌گیر مهاجران افغان در ایران، اثرات متعدد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر زیست‌جهان افراد مهاجر گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که مشکلات ناشی از تفاوت‌های قومی در کشور میزبان، کاهش کیفیت زندگی در مهاجران افغان را به‌دنبال داشته است. این شاخص، از عوامل بسیاری تأثیر می‌گیرد؛ بخشی از این عوامل، مربوط به کیفیت روابط با دیگران، میزان اعتماد و مشارکت اجتماعی است که از آن‌ها به‌عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. بخشی دیگر نیز تحت عنوان توانایی مقابله با رویدادهای آسیب‌زا به تاب‌آوری روان‌شناختی افراد اشاره دارد. از این رو پژوهش حاضر که مطالعه‌ای توصیفی از نوع همبستگی بوده است، با هدف پیش‌بینی کیفیت زندگی مهاجران افغان براساس سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی انجام شد. به این منظور نمونه‌ای ۱۸۵ نفری از مهاجران افغان ساکن در دو محله فیروزآباد و غنی‌آباد شهرستان ری انتخاب شدند و برای سنجش متغیرهای پژوهش، پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن (۲۰۰۰)، مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) و فرم کوتاه مقیاس ارزیابی کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۸) بر روی نمونه حاضر اجرا شد. درنهایت، برای تجزیه تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. یافته‌ها نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معنادار ( $p < 0/001$ ) بین سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی با کیفیت زندگی می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی، کیفیت زندگی، مهاجران افغان.

<sup>1</sup> shahlazoormandbonab1995@gmail.com

<sup>2</sup> farideh\_hosseinsabet@yahoo.com

## Predicting quality of life based on social capital and psychological resilience in Afghan migrants

### Abstract

The history of three decades of significant presence of Afghan immigrants in Iran has had numerous cultural, social and economic effects on the lives of immigrants; Problems arising from ethnic differences in the host country have led to a decline in the quality of life of Afghan refugees. This index is affected by many factors; Part of these factors is related to the quality of relationships with others, the level of trust and social participation, which are referred to as social capital. The other part, called the ability to deal with traumatic events, refers to the psychological resilience of individuals. Therefore, the present study, which is a descriptive correlational study, was conducted with the aim of predicting the quality of life of Afghan immigrants based on social capital and psychological resilience. For this purpose, a sample of 185 Afghan migrants living in Firoozabad and Ghani-Abad neighborhoods of Rey city were selected and to measure the research variables, Onyx and Bolen (2000) Social Capital Questionnaire, Connor & Davidson(2003) Resilience Scale And the World Health Organization Quality of Life Scale(1998) short form was implemented on the present sample. Finally, descriptive and inferential statistical indicators were used to analyze the data. Findings show a positive and significant relationship ( $p<0.001$ ) between social capital and psychological resilience with quality of life.

**Keywords:** social capital, psychological resilience, Quality of life, Afghan refugees.

## مقدمه

تنوع و تفاوت انسانی امری رایج، اصلی و نسبتاً بدیهی در اکثر جوامع کنونی است که بر پایه آن، گروه‌های هویتی مختلف در چارچوب‌های مختلف جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تشخیص و تمایز می‌یابند. تبیین مسأله تفاوت‌های انسانی و تحلیل ابعاد و پیامدهای آن، جایگاهی مهم در حوزه مباحث روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی دارد؛ زیرا که به رغم اثرپذیری رفتار انسان‌ها از عوامل و زمینه‌های عینی، شناخت و ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی هویت‌یابی آن‌ها می‌باشد (اشرف‌نظری و نظری‌مجد، ۱۳۹۰، ص ۷۷).

در تحقیقات جامعه‌شناسی وقتی از نژاد، قومیت، روابط بین‌نژادی و قومیتی بحث می‌شود، منظور تفکیک گروه‌های اجتماعی براساس ویژگی‌های شاخص در هر گروه است که براساس ریشه داشتن در بخش ویژه‌ای از جهان از دیگر گروه‌ها بازشناخته می‌شوند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به تاریخ مشترک، نیاکان، زبان و همین‌طور لباس، دین، سنت و سایر نمادها اشاره کرد. شایان ذکر است که این موضوع بر اینکه افراد خود را در زمینه و بستر اجتماعی چگونه تعریف کنند، چگونه خود را سازمان‌بخشی کنند و اینکه دیگران آن‌ها را چگونه در نظر بگیرند، تأثیر می‌گذارد. حال اگر در این مسیر افرادی در روابط اجتماعی پذیرفته نشوند یا از اعضای عادی جامعه جدا شوند، مسائل و مشکلاتی در مسیر دستیابی به آرزوها و رفع نیاز آن‌ها ایجاد خواهد شد (صادقی فسائی و نظری، ۱۳۹۵، ص ۴۳۹).

از این رو و در نتیجه گسترش روزافزون روند جهانی شدن، افزایش ارتباطات بین‌فرهنگی، توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و گسترش چشم‌گیر تحرک مکانی افراد، می‌توان گفت تشدید مهاجرت بین‌المللی، که یکی از عوامل ایجادکننده نژادپرستی و قومیت‌پرستی و یکی از ویژگی‌های توزیع نامساوی قدرت و منابع در جامعه فهمیده می‌شود (Grieco & Cassidy, 2001)، بسیاری از جوامع کنونی را به طرف سیاست پیچیده‌ای کشانده است؛ در واقع، چند فرهنگی یا چند قومی و چند زبانی شدن جوامع، دولت‌ها را به استفاده از این تنوع به گونه‌ای که به ارتقای صلح و احترام به حقوق انسانی منجر شود، ترغیب کرده است (Carter, 2006, p. 1105).

یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی، پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران است که در دهه‌های اخیر روندی صعودی داشته است. مهاجرت افغان از بزرگترین حرکات مهاجرتی تاریخ جهان مدرن در سه دهه اخیر بوده است و بیش از ۹۶ درصد آن به سمت ایران و پاکستان صورت گرفته است (Abbasi & Sadeghi, 2015, p. 101) تا جایی که برآوردها نشان می‌دهند در سال‌های گذشته نیز، با بالا گرفتن بحران‌های سیاسی، امنیتی و

اقتصادی و شدت گرفتن میزان تلفات غیرنظامی در کشور افغانستان و به دنبال آن بدتر شدن شرایط اقتصادی از هر چهار نفر در افغانستان، سه نفر مهاجرت را به شکل داخلی یا بین‌المللی در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند (UNAMA, 2017).

از این رو می‌توان گفت رابطه مهاجر - میزبان، سال‌های زیادی است که در ایران برقرار است و سیاست‌های کشور ایران در مواجهه با افغان‌ها طیف گسترده‌ای از سیاست درهای باز تا سیاست درهای بسته را شامل شده است. در واقع ایران جزء معدود کشورهایی در جهان است که از افغان‌ها با سیاست درهای باز استقبال کرد؛ چراکه از یک سو به دلیل تعلقات ایدئولوژیک اوایل انقلاب ایران، شیعه و مسلمان بودن کشور افغانستان، نبرد ایدئولوژیک با شوروی و از سوی دیگر، به دلیل فقدان برنامه‌ریزی‌های لازم برای مدیریت مهاجران، ایران حجم انبوهی از مهاجران افغان را پذیرفت. اما این وضعیت، با حمله آمریکا و از بین رفتن طالبان تغییر کرد. دولت ایران، به شدت طرح بازگشت افغان‌ها را در پیش گرفت؛ آن‌ها در رسانه‌های رسمی و غیررسمی به عنوان مشکل اصلی بیکاری کشور معرفی می‌شدند و بسیاری از مشکلات دیگر کشور نیز به آن‌ها نسبت داده می‌شد. بدین طریق، سیاست درهای باز اوایل انقلاب به سیاست درهای بسته تغییر کرد و مهاجران افغان از بسیاری از حقوق، مزایا و تسهیلات (عدم ثبت ازدواج و حتی برخورداری از مدارس خودگردان) محروم شدند و از کشور اخراج گشتند (روحانی و انبارلو، ۱۳۹۶، ص ۷۸ و ۷۹).

برخوردهای نامناسب با اقلیت‌ها در جریان تعاملات روزمره که برگرفته از این تصور قالبی جامعه میزبان است که مهاجران افغان عامل بسیاری از مسائل اجتماعی ایران، نظیر بیکاری و بزهکاری هستند، ممکن است آن‌ها را در معرض فاصله‌گیری از افراد عادی جامعه، بی‌اعتمادی اقلیت نسبت به اکثریت، تشدید احساسات جدایی، متفاوت بودن و نبود احساس همبستگی با جامعه قرار دهد، که این مسائل در نهایت به تشدید برخوردها و عدم تفاهم میان گروه‌های اقلیت و اکثریت منجر خواهد شد (صادقی فسائی و نظری، ۱۳۹۵، ص ۴۵۳). این موضوع به نوبه خود، در زمانی که تغییر حاد بوده و مکانیزم‌های انطباقی و حمایت اجتماعی آنان نیز چاره‌ساز نباشد، ممکن است استرس و فشار روانی زیادی بر مهاجران وارد آورد و در نهایت، به دلیل ایجاد تصور منفی در هر دو طرف و انتقال آن از مهاجران به جامعه مبدأ، زمینه‌های کدورت و سردی را بین دو جامعه مبدأ و مقصد فراهم می‌سازد (اخلاقی، یوسفی و صدیق‌عوری، ۱۳۹۵، ص ۷ و ۹).

علاوه بر تحقیر و تبعیض‌های صورت گرفته از سمت جامعه میزبان، عوامل دیگری مانند: سن فرد هنگام مهاجرت، دلیل مهاجرت، میزان پایین سازگاری فرهنگی و اجتماعی با جامعه جدید، نداشتن برنامه برای آینده، طرد اجتماعی مهاجران، ناپایداری خانواده، جدایی از بستگان، استرس فرهنگ‌پذیری، نبود حمایت اجتماعی، نداشتن نقش اجتماعی سودمند و پیوندهای معنی‌دار اجتماعی، نداشتن سرپناه، احساس عمیق انزوای اجتماعی، گمنامی و بی‌هویتی، نظام متفاوت ارزشی - فرهنگی در کشورهای افغانستان و ایران، سطح پایین‌تر اجتماعی - اقتصادی مهاجران به دلیل نداشتن مهارت‌های اجتماعی لازم، بیکاری یا اشتغال به کارهای سخت و طاقت‌فرسای بدنی، امنیت عاطفی، قضایی، مالی، جانی پایین، نداشتن امنیت شغلی و پایین بودن دستمزدها نسبت به افراد ایرانی، جنگ‌های داخلی و وضعیت ناپایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در کشور مبدأ و پیامدهای ناشی از آن، نگرش منفی و آگاهی پایین مردم افغانستان نسبت به بیماری‌های روانی را می‌توان از دلایل پایین بودن کیفیت زندگی<sup>1</sup> در جمعیت مورد بررسی دانست (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵).

کیفیت زندگی یک مفهوم پیچیده، چند بعدی، نسبی و متأثر از زمان، مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی می‌باشد که در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش) مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان رویکردی نوین که نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی، اقتصادی و محیطی مناطق است، در مطالعات و تحقیقات اجتماعی و پزشکی نیز مطرح شده است (ایمانی، باختر و خوش‌رفتار، ۱۳۹۴، ص ۸۸۲). گرچه مفهوم کیفیت زندگی از اواخر قرن بیستم مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است، اما ریشه‌های آن در جامعه‌شناسی را می‌توان تا اواسط قرن بیستم پی‌گرفت (Campbell, Converse & Rodgers, 1976, p. 403).

این مفهوم برای افراد و گروه‌های مختلف معانی گوناگونی دارد؛ برخی آن را قابلیت زیست-پذیری یک ناحیه و برخی دیگر آن را به‌عنوان رفاه عمومی و بهزیستی اجتماعی تفسیر کرده‌اند (Empley & Menon, 2008, p. 282). نظریه‌های اولیه مطرح شده در خصوص کیفیت زندگی، بیشتر بر نگرانی‌ها و اولویت‌های فردی تاکید داشتند ولی در سال‌های اخیر، نظریات مطرح شده در این زمینه از فردمحوری به گسترده‌تری کیفیت زندگی و پرداختن به مسائل اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، و کیفیت روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است (Schmitt, 2002, p. 418). سازمان جهانی بهداشت نیز کیفیت زندگی را ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگی

<sup>1</sup>. Quality of life

خویش تحت تأثیر نظام فرهنگی و ارزش موقعیتی که در آن زندگی می‌کنند، می‌داند و در تعریف و تبیین کیفیت زندگی به سلامت فیزیکی، وضعیت روانی، سطح استقلال، روابط اجتماعی و رابطه آن‌ها با ویژگی‌های محیط، توجه کرده است. به واقع می‌توان گفت که از آنجایی که مفهوم کیفیت زندگی مرهون رشد دیدگاه‌های کمتر اقتصادی درباره کیفیت زندگی اجتماعی است، بنابراین کیفیت زندگی مفهومی بین رشته‌ای در علوم اجتماعی قلمداد می‌شود و بررسی ابعاد گوناگون مفهوم کیفیت زندگی به لحاظ جامعه‌شناسی دارای اهمیت فراوانی است (قادری و تقوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲ و ۱۱۳).

مروری بر مطالعات نشان می‌دهد که پژوهشگران این عرصه همواره در تلاش بوده‌اند تا راهکاری در جهت افزایش تعاملات اجتماعی، افزایش اعتماد در جهت دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی-اقتصادی و در نهایت، به راه‌حلی برای افزایش کیفیت زندگی ساکنان دست پیدا کنند؛ به گونه‌ای که، در دهه‌های اخیر برخی اندیشمندان علاج مشکلات جامعه مدرن را از طریق افزایش سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>، به عنوان حلقه مفقوده توسعه دانستند (لقمان، سعیده زرابادی و بهزادفر، ۱۳۹۸، ص ۲۱۸). سرمایه اجتماعی پدیده‌ای مدیریتی است و برای آن، ویژگی‌های گوناگونی تعریف شده است که شامل اعتماد (هنجارها)، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک، ارتباطات، همکاری، تعهد و شناخت متقابل می‌باشد (Vilanova & Josa, 2003, p. 30). بانک جهانی نیز عناوین‌های متفاوتی برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است، مانند: حلقه مفقوده توسعه، چسب اجتماعی، مطلوبیت اقتصادی، سرمایه جذاب، مهارت اساسی، روح ملی، ویژگی اصلی جوامع و ملت، ارتقا دهنده انگیزه‌های فردی به عرف‌های هنجاری، نهادی و گروهی (زارعی متین، قنبری و قانع، ۱۳۹۴، ص ۶ و ۷).

با مرور تعاریف و ابعاد ارائه شده از سرمایه اجتماعی و نگاهی به شاخص‌های توسعه اجتماعی بانک جهانی، می‌توان دریافت علاوه بر آنکه ریشه‌کنی فقر، ایجاد اشتغال، انسجام اجتماعی، برابری جنسیتی و دسترسی به آموزش و بهداشت از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه هستند (World Bank, 2004)، تمامی آن‌ها را می‌توان شاخص کیفیت زندگی نیز قلمداد کرد. بر این اساس بانک جهانی و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه برای کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان بخش مهمی از راهبردهای خود در نظر گرفته‌اند که با نبود آن، افراد جامعه کمتری خواهند داشت. در این راستا سرمایه اجتماعی با ایجاد هماهنگی و برقراری ارتباط میان افراد، زمینه را در جهت دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب‌تر

1. social capital

فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی ارزش و جایگاه فرد را در شبکه‌های اجتماعی گوناگون مشخص می‌کند و همین جایگاه، میزان بهره‌ او را از کیفیت‌های مطلوب زندگی مشخص می‌سازد (ایمانی، باختر و خوش‌رفتار، ۱۳۹۴، ص ۸۷۶ و ۸۹۰) بنابراین مفاهیم سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی دارای همبستگی فراوانی هستند و سرمایه اجتماعی سبب می‌شود، فرد در بهره‌گیری از شاخص‌های کیفیت زندگی توانایی‌های لازم را به دست آورد.

یکی دیگر از توانمندی‌هایی که در رابطه با کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در شرایط استرس‌زا و تحت فشار، می‌تواند دخیل باشد و طی ۱۰ سال گذشته و سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است، تاب‌آوری روان‌شناختی<sup>۱</sup> می‌باشد. تاب‌آوری ویژگی شخصیتی است که به‌عنوان یک عامل روان‌شناختی، در رابطه با توانایی مقابله در برابر سختی‌ها، خروج از مشکلات و قوی‌تر و کاردارتر شدن توصیف می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، تاب‌آوری به صورت مثبتی با ذهن آگاهی، عواطف مثبت، رضایت از زندگی، شادی، برون‌گردی و به صورت منفی با عواطف منفی و روان‌رنجوری ارتباط دارد (Ong & et al, 2006, p.740)؛ در واقع افراد تاب‌آور که با تشخیص و درک احساسات خود، به گونه‌ی مؤثرتری تجارب هیجانی خود را تنظیم می‌کنند، در سازش یافتگی با تجربه‌های منفی زندگی نیز موفقیت بیشتری خواهند داشت و در مقایسه با افرادی که از تاب‌آوری پایینی برخوردار هستند، مشکلات بین‌فردی کمتری را تجربه می‌کنند (Pouw & et al, 2013, p.550).

در این راستا و از آنجایی که کیفیت زندگی دربردارنده رضایت از زندگی است، می‌توان گفت افرادی که سطح تاب‌آوری بالاتری دارند می‌توانند نمرات بهتری را در کیفیت زندگی به دست آورند؛ این افراد در برابر مشکلات انعطاف‌پذیری بیشتری خواهند داشت و بعد از مدتی به خط پایه اصلی و اولیه شادمانی خود باز می‌گردند و این خط پایه را حفظ می‌کنند. بر این اساس، تاب‌آوری از طریق تقویت عزت نفس به‌عنوان یک مکانیزم واسطه‌ای به انطباق‌پذیری مثبت و بهزیستی روانی منتهی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هرچه فرد قدرت بیشتری در تاب‌آوری، مقابله با مشکلات و استرس‌های زندگی داشته باشد، کمتر در معرض آشفتگی‌های روانی و هیجانی قرار می‌گیرد و از سلامت روانی بالاتری بهره‌مند می‌شود. در رابطه با این موضوع که تاب‌آوری قادر به پیش‌بینی کیفیت زندگی می‌باشد نیز می‌توان اذعان نمود با توجه به اینکه افراد تاب‌آور، به طرز خلاقانه و انعطاف‌پذیری به مسائل می‌نگرند، برای حل آن‌ها طرح و برنامه‌ریزی می‌کنند و

1. psychological resilience

در صورت نیاز نسبت به درخواست کمک از دیگران دریغ نمی‌ورزند و منابع کاملی برای مقابله با مشکلات دارند، بنابراین، این عوامل باعث می‌شود این افراد از کیفیت زندگی بالایی نیز برخوردار باشد (حسینی‌نیا و حاتمی، ۱۳۹۸، ص ۸۸).

در نتیجه با توجه به تعاریف و پیامدهای ذکر شده در خصوص تاب‌آوری روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی، می‌توان گفت که این دو مفهوم همچون یک سپر محافظتی در برابر کیفیت زندگی عمل کرده و منجر به بقای سازگاران‌تر می‌شوند (Ring & et al, 2016, p.160). از این رو فرض بر آن است که تاب‌آوری فردی و سرمایه اجتماعی بتوانند در برابر عوامل استرس‌زایی که مهاجران افغان در زندگی در ایران با آن‌ها روبه‌رو هستند، به عنوان یک ضربه‌گیر قوی عمل کرده و مهاجرانی که از این توانمندی‌ها بیشتر بهره‌مند باشند، بهتر بتوانند در برابر عواملی که مسبب کاهش کیفیت زندگی و افزایش مشکلات روان‌شناختی می‌شود، از خود مقاومت نشان داده و بر آن‌ها غلبه کنند. در این راستا و با اذعان به لزوم تمرکز بر سازوکارهای تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی و با توجه به اینکه تاکنون در رابطه با این موضوع پژوهشی در کشور انجام نگرفته است، اهمیت انجام این پژوهش بیش از پیش ضرورت دارد. در نتیجه با توجه به مباحث و مسائل مطرح شده، مسئله اصلی در این پژوهش شناسایی رابطه تاب‌آوری روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی می‌باشد.

## مبانی نظری پژوهش

### سرمایه اجتماعی:

مفهوم سرمایه اجتماعی ابزاری است که به واسطه آن، افراد یک جامعه با هم تعامل دارند و با توجه به بافت فرهنگی کشور ایران، می‌تواند راهکاری مهم باشد که زمینه توسعه و بهبود همدلی و هماهنگی را در بخش‌های مختلف جامعه فراهم آورد (علی‌اکبری صومعه و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۹۷). تاریخچه سرمایه اجتماعی به اقتصاددانان کلاسیک، مانند آدام اسمیت و جان استوارت میل و جامعه‌شناسانی چون ماکس وبر می‌گردد که از عوامل فرهنگی برای تحلیل پدیده‌های اقتصادی استفاده می‌کردند (Gusio, Sapienza & Zingales 2004, p. 536). با وجود این، مفهوم سرمایه اجتماعی، به مثابه موضوعی نوین، اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت و پس از آن علاقه تحقیقاتی فزاینده‌ای را به خود جلب کرد. در این راستا، مطرح‌ترین صاحب‌نظران این حوزه - پیر بوردیو، جیمز کلمن، رابرت پوتنام - هر یک تعریفی از این مفهوم ارائه داده‌اند، که در ادامه به شرح هر کدام خواهیم پرداخت:



**پیر بوردیو**

بوردیو (۱۹۸۶) یکی از صاحب‌نظرانی است که نخستین بار در موضوع سرمایه اجتماعی، ارتباطات نهادینه شده را مبنای تعریف خود قرار داد. سرمایه اجتماعی از نظر وی سرمایه ارتباطات جمعی است که در صورت لزوم حمایت‌های مفیدی را ایجاد می‌کند؛ سرمایه‌ای که مقبولیت دارد و غالباً زمانی که شخص می‌خواهد توجه مردم را در یک موقعیت اجتماعی مهم جلب کند، ضرورت می‌یابد (Field, 2003, p. 152). او بعدها این تعریف را اصلاح کرد و سرمایه اجتماعی را شامل مجموعه منابع فیزیکی یا غیر فیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی‌های دوجانبه و محترم هستند، دانست (ردادی، ۱۳۹۹، ص ۴، ۱۵۷). در نظریه وی سرمایه اجتماعی به خانواده متکی است؛ به گونه‌ای که، شرط و نتیجه تمثیت موفق، سرمایه‌ای است که به وسیله اعضای واحد خانواده به صورت جمعی اکتساب شده است. همانطور که در نظریه بوردیو مشخص است، سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده و آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند. بوردیو در اینجا بر ضرورت تراکم و دوام پیوندها تأکید می‌ورزد و سرمایه اجتماعی را انبوهی از منابع بالفعل یا بالقوه‌ای می‌داند که به مالکیت یک شبکه دوام‌دار متصل‌اند؛ به گونه‌ای که اگر بتوانیم ارتباطات ارزشمند را افزایش دهیم، از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار خواهیم بود (بوردیو، ۲۰۰۱، ترجمه پاکباز و پویان، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲).

**جیمز کلمن**

نظریه کلمن (۱۹۸۸) درباره سرمایه اجتماعی بر پایه نظریه انتخاب عقلانی است که براساس آن تمام رفتارها از تعقیب افراد برای سودشان سرچشمه می‌گیرد (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰، به نقل از سبزه‌ای، سلیمانی و یوسفی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۰). از این رو سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی است که به صورت منابع در اختیار اعضا قرار می‌گیرد و ابزاری برای دستیابی به سرمایه انسانی است که از آن طریق می‌توانند به اهداف و منافع خود دست یابند. کلمن سرمایه اجتماعی را موجب تقویت سرمایه انسانی می‌داند؛ چراکه، سرمایه اجتماعی، مانند انواع دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد (خامه‌چی و رنگریز، ۱۳۹۸، ص ۶۰۵). به نظر او سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار ندارد، بلکه سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود (Greeley, 1997, p. 587). بنابراین، سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست؛ بلکه جنبه‌های

متفاوت ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌دهد (Coleman, 1990, p. 306). اشکال سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن شامل تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، روابط مقتدر و سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر می‌باشد (میرخلیلی، حیدیری، ۱۳۹۹، ص ۲۱۹). کلمن در پایان این دسته‌بندی نتیجه می‌گیرد سرمایه اجتماعی محصول فرعی فعالیت‌هایی است که برای مقاصد دیگر صورت می‌پذیرد و وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر و منبعی مفید برای ایجاد پیوندهای اجتماعی کنشگران با یکدیگر می‌باشد (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰، به نقل از سبزه‌ای، سلیمانی و یوسفی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۰).

### رابرت پاتنام

به نظر پاتنام (۱۹۹۵) سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. سرمایه اجتماعی همانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند (پاتنام و همکاران، ترجمه پاکباز و پویان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵). به تعبیر پاتنام، همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد، به آسانی صورت می‌گیرد؛ در واقع این مفهوم به پیوندها میان اعضای یک شبکه به مثابه منبعی با ارزش، اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۳۳). وجوه گوناگون سازمان اجتماعی از دیدگاه پاتنام شامل شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی که ناشی از دو منبع یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی است، می‌باشد. از نظر پاتنام اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و همکاری نیز اعتماد را ایجاد می‌کند. به این ترتیب هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست آورده و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند. بنا به اعتقاد پاتنام، ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی منجر می‌شود. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی نیز خصیصه خود تقویت کننده دارد؛ به گونه‌ای که عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان‌آور دوره‌های باطل، تشدید می‌کنند (پاتنام و همکاران، ترجمه پاکباز و پویان، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰).

### ابعاد سرمایه اجتماعی

ناهایت و گوشال<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) با رویکردی سازمانی جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی را در سه بعد ساختاری، شناختی و رابطه‌ای مورد بحث قرار داده‌اند:

بعد شناختی: عنصر شناختی سرمایه اجتماعی که شامل ادراک، باورها و تصورات فرهنگی و اجتماعی مشترک است، به منابعی اشاره دارد که فراهم کننده مظاهر، تعبیرها، تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک میان گروه‌هاست. مهم‌ترین جنبه‌های این عنصر عبارت‌اند از، مفاهیم و خاطرات مشترک یا زبان مشترک.

بعد ساختاری: عنصر ساختاری سرمایه اجتماعی که در بردارنده الگوهای ارتباطی میان اعضای یک گروه یا واحد اجتماعی است، به الگوی کلی تماس‌های بین افراد اشاره می‌کند. مهم‌ترین جنبه‌های این عنصر عبارت‌اند از: پیوند شبکه، ترتیبات شبکه و ثبات شبکه.

بعد رابطه‌ای: عنصر رابطه‌ای سرمایه اجتماعی که در بردارنده میزان اعتماد متقابل میان اعضای یک واحد اجتماعی است، توصیف کننده رابطه شخصی‌ای می‌باشد که افراد با یکدیگر به دلیل سابقه تعاملاتشان برقرار می‌کنند. مهم‌ترین جنبه‌های این بعد از سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: اعتماد، هنجارها، الزامات، انتظارات، هویت (Hades, Hung & Fang, 2008, p. 245).

### تاب‌آوری

در اصطلاح زبان‌شناسی، واژه تاب‌آوری به توانایی یک شیء برای بازیابی شکل و ساختار اصلی خود- پس از آن‌که تحت تأثیر نیروهای خارجی تغییر شکل یافته باشد- اشاره می‌کند. در زمینه رفتار انسانی، تاب‌آوری اغلب به عنوان یک ویژگی مرتبط با منش، شخصیت و توانایی مقابله در نظر گرفته می‌شود که بر توانمندی، انعطاف‌پذیری، توانایی تسلط یا برگشت به حالت عادی پس از مواجهه با استرس و چالش شدید دلالت دارد (جلیلی و حسینچاری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

تاب‌آوری مفهومی است که با تعدیل سطوح استرس و ناتوانی در شرایط استرس‌زا، تمرکز افراد را از شکست خوردن در شرایط سخت، به سوی رشد ویژگی‌های فردی و اجتماعی سوق می‌دهد که این موضوع به نوبه خود، افزایش رضایت از زندگی را به دنبال خواهد داشت (Bernard, 1991, p. 12). ورنر از جمله اولین دانشمندی بود که در دهه ۱۹۷۰ از اصطلاح تاب‌آوری استفاده کرد و آن را توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی، در شرایط

1. Nahapiet & Ghoshal

خطرناک دانست؛ در واقع، تاب‌آوری در این تعریف، پدیده‌ای است که از پاسخ‌های انطباقی طبیعی انسان حاصل می‌شود و علی‌رغم رویارویی فرد با تهدیدهای جدی، وی را در دستیابی به موفقیت و غلبه بر تهدیدها توانمند می‌سازد (Conner & Davidson, 2003, p. 70).

در دو دهه اخیر مفهوم تاب‌آوری از اهمیت روزافزونی در روان‌شناسی تحولی برخوردار شده است. مشاهده بزرگسالان بهنجاری که به واسطه تجربه دوران کودکی پرخطر، انتظار می‌رفته است به افرادی نابهنجار بدل شوند، موجب شد تا توجه پژوهشگران به ویژگی‌ها، شرایط و موقعیت‌هایی معطوف شود که پیامدهای منفی پرورش در شرایط نامطلوب را تغییر می‌دهند. در همین راستا، لاتر، کیچتی و بکر (۲۰۰۰) به فرایندی اشاره کرده‌اند که افراد را قادر می‌سازد بر عوامل تنیدگی‌زای زندگی خویش کنترل داشته باشند، آن‌ها این فرایند را تاب‌آوری نامیده‌اند. راتر بر این باور است که افراد تاب‌آور لزوماً با چالش‌های کمتری مواجه نمی‌شوند، بلکه وقتی با این تغییرات مواجه می‌شوند، تعادلشان را سریع‌تر بدست می‌آورند، دچار اختلال نمی‌شوند و از لحاظ جسمی و روانی سالم‌ترند (Luthar, Cicchetti & Becker, 2000, p. 551).

بر طبق مدل‌های ارائه شده از سوی اورال، آتروس و پاولسن (۲۰۰۳)، به نقل از مهدوی‌زاده، (۱۳۹۵، ص ۲۹) سه حوزه عملکردی برای تاب‌آوری تعریف و بر آن‌ها تمرکز شده است: ۱. تاب‌آوری به عنوان یک ویژگی شخصیتی یا توانایی پیش‌بینی افراد در مقابل تأثیرات منفی ناملازمات و احتمال خطر فرض می‌شود. ۲. یک وضعیت روحی مثبت یا سلامت روانی (مثل درک مثبت، خودپنداری، پیشرفت تحصیلی موفقیت در وظایف) یا فقدان بیماری روحی روانی علی‌رغم وجود یا احتمال خطر تعریف می‌گردد. ۴. یک فرایند پویا که بر کنش بین متغیرهای فردی و پیرامونی تأثیر گذاشته و در طول زمان تغییر می‌کند، در نظر گرفته می‌شود؛ این تعریف به دلیل چهارچوب فراگیر و تلفیق ویژگی‌های فردی با محیطی ایجاد تاب‌آوری بیش از تعاریف قبلی مورد توجه است. در این راستا، ویژگی‌های فردی ذکر شده برای افراد تاب‌آور نیز عبارت است از: ویژگی‌های شخصیتی باز بودن، برون‌گرایی، موافق‌بودن، منبع کنترل درونی، خودکارآمدی، عزت‌نفس، تعبیر مثبت داشتن از وقایع، داشتن عملکردی عقلانی، انعطاف‌پذیری شناختی، دلبستگی اجتماعی، خودپنداره مثبت، خودگردانی هیجانی، احساسات مثبت، معنویت، کنارآمدن و مفید بودن، سخت‌رویی، تدبیر، درایت و سازگاری (مهدوی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۲۷).

## کیفیت زندگی

امروزه مفهوم کیفیت زندگی در تحقیقات اجتماعی، مفهوم تازه‌ای است؛ به گونه‌ای که، حیطة مربوط به سنجش و ارزیابی آن در هیچ زمانی به‌اندازه امروز وسیع نبوده است. با توجه به اینکه این موضوع طی سی سال گذشته و در دهه‌های اخیر به مثابه یک هدف اصلی توسعه جامعه، بر سیاست‌گذاری‌های بسیاری از کشورها تأثیرگذار بوده است و در این راستا توجهات و تلاش‌های بسیاری را به خود جلب کرده است. از این رو، نظریه‌پردازان توسعه، شاخص‌های مختلفی را برای محاسبه میزان رضایت از کسب نیازهای اولیه و کیفیت ارائه کرده‌اند که در ادامه به شرح هرکدام خواهیم پرداخت:

فیلیس کیفیت زندگی را در ابعاد فردی (مولفه‌های عینی و ذهنی) و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر وی، لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی تامین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان است و در بعد ذهنی نیز شامل داشتن استقلال عمل در: ۱- افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایت‌مندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی ۲- رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی ۳- مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. کیفیت زندگی در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها، انسجام مدنی، هم‌کوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تاکید دارد (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰، ص ۹).

فرانس در نظریه ادراکی خود برای کیفیت زندگی، چهار عامل اصلی خانواده، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، وضعیت روانی و همچنین وضعیت جسمانی را مؤثر می‌داند (کاوه فیروز، جواهری و نبی‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۴۳). سرجی معتقد است جوامع توسعه یافته شامل اعضای است که اساساً در مراتب بالاتری از نیازها اکتفا می‌شوند. برعکس، جوامع کمتر توسعه یافته شامل اعضای است که اغلب با مراتب پایین‌تری از نیاز اکتفا می‌شوند. بنابراین در نظر وی، کیفیت زندگی بر حسب سطح رضایت نیازها و براساس سلسله مراتب اعضای مردم مشخص و معین می‌شود؛ هر چه رضایت از برآورده شدن نیازها در اکثریت مردم یک جامعه بالاتر باشد، کیفیت زندگی آن جامعه بالاتر خواهد بود (کاوه فیروز، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۳۴). لیو نیز سه رویکرد را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی ارائه می‌دهد: ۱- تعریف کیفیت زندگی براساس عناصر تشکیل

دهنده آن، مانند شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و...؛ ۲- تعریف کیفیت زندگی از طریق به‌کارگیری شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی مانند تولید ناخالص داخلی، بهداشت، شاخص رفاه، شاخص آموزش؛ ۳- تعریف کیفیت زندگی براساس تعیین متغیرها یا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در آن سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود (Liu, 1976, p. 126).

### رویکردهای کیفیت زندگی

در مطالعات کیفیت زندگی دو نوع رویکرد ذهنی و عینی وجود دارد؛ کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت ذهنی زندگی می‌تواند میزان تجمع از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد و شاخص‌هایی مانند ادراک حس تعلق مکانی یک فرد، ایمنی، خوشبختی، رضایت کلی از زندگی، زندگی جنسی و کیفیت روابط را در برگیرد. بر اساس این روش، زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد. در نقطه مقابل، کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد و با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات و خصوصیات خانوار حاصل می‌شود (Foo, 2000, p. 41). در نتیجه این مناقشه، از یک سو ذهنی‌گرایان معتقدند که کیفیت زندگی، تنها مفهوم معنی‌داری است که به‌طور ذهنی توسط افراد در بافت زندگی‌شان، توصیف می‌گردد و از سویی دیگر، عینی‌گرایان معتقدند که کیفیت زندگی تنها به‌طور محسوس و مستقل از تجربه زندگی افراد می‌تواند مورد سنجش قرار گیرد. با این حال واقعیت مهم این است که کیفیت زندگی نمی‌تواند تنها از طریق شرایط عینی تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است. بنابراین توافقی در حال شکل‌گیری است که شاخص‌های کیفیت زندگی باید توأمان شامل شاخص‌های عینی و ذهنی گردد، به‌گونه‌ای که، شاخص‌های عینی باید با سنجش‌های ذهنی که بیانگر ارزیابی شناختی (ذهنی) افراد از تجربیات شخصی زندگی‌شان است، تکمیل گردد (Anderson, 2005, p.114).

### پیشینه تحقیق

جدول ۱- مطالعات و تحقیقات داخل و خارج کشور

پژوهشگران / سال	خلاصه‌ای از پژوهش
باسیتی (۱۳۹۹)	این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در رابطه با فعالان تعاونی شهر دامغان صورت گرفت. نتایج نشان داد میان ابعاد شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی فعالان تعاونی‌ها رابطه معنادار وجود دارد.
لقمان، سعیده زرآبادی و بهزادفر (۱۳۹۸)	هدف این پژوهش شناسایی ابعاد و همچنین سنجش میزان تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رضایت از زندگی در محلات شهری می‌باشد. نتایج نشان داد با ارتقاء سرمایه اجتماعی از طریق افزایش اعتماد، می‌توان رضایت از کیفیت زندگی را در محلات شهری ارتقا داد.
کوزه‌گر کالجی، اسکندرپور و درزاده مهر (۱۳۹۸)	در این مقاله به بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با کیفیت زندگی شهری پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد رابطه متقابل، اعتماد و جنبه‌های محلی تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی دارد و همچنین بعد مشارکت اجتماعی و مشارکت مدنی نیز به صورت غیرمستقیم بر کیفیت زندگی تأثیر گذاشته است.
کاوه فیروز، جوهری و نبی‌زاده (۱۳۹۹)	این پژوهش با هدف مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در بین سالمندان ساکن منازل و آسایشگاه‌های شهر تهران انجام گرفته است. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد، با کنترل تمام متغیرها، سرمایه اجتماعی تأثیر قوی و معناداری بر کیفیت زندگی هر دو گروه سالمندان دارد.
گائو و همکاران (۲۰۱۸)	این پژوهش با هدف پیوند میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان شهرهای کمتر توسعه یافته غرب چین انجام شده است. تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی رابطه معناداری با کیفیت زندگی ذهنی دارد.
همودان، یوسف و مرزوخی (۲۰۱۴)	این پژوهش با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محله‌های شهری مسکونی با تراکم بالا صورت پذیرفت. نتایج پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معناداری سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی می‌باشد.
ایدلخانی، حیدری (۱۳۹۵)	این تحقیق با هدف بررسی میزان تأثیر آموزش گروهی تاب‌آوری بر سلامت روان و کیفیت زندگی همسران جانبازان در تهران انجام شد. نتایج نشان داد که برنامه آموزش تاب‌آوری بر ارتقای کیفیت زندگی همسران جانبازان، اثرگذار است و نیاز برنامه آموزش تاب‌آوری بر ارتقای سلامت روان همسران جانبازان اثر معنی‌داری دارد.
حسینی‌نیا، حاتمی (۱۳۹۸)	این پژوهش با هدف پیش‌بینی کیفیت زندگی بر مبنای بهزیستی روان‌شناسی و تاب‌آوری در بازنشستگان مشترک صندوق بازنشستگی کشوری استان تهران انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی کیفیت زندگی بازنشستگان می‌باشند.

عسی نژاد، حیدریان (۱۳۹۹)	پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر کیفیت زندگی زناشویی و تاب‌آوری خانواده آزادگان انجام شده است. یافته‌ها نشان داد، آموزش تاب‌آوری می‌تواند بر ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و تاب‌آوری خانواده آزادگان تاثیر باثبات و پایدار داشته باشد.
هایماواتی، ساراسواتی (۲۰۱۸)	پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تاب‌آوری و کیفیت زندگی انجام شد. یافته‌ها نشان داد، تاب‌آوری فرآیند یا توانایی انطباق دادن خود با چالش‌ها و تهدیدات و غلبه بر آن‌ها می‌باشد. وی بیان می‌دارد که افراد و گروه‌های تاب‌آور، مجهز به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک هستند که آن‌ها را برای غلبه بر دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی آماده می‌کند.
ژو، او (۲۰۱۴)	پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تاب‌آوری و کیفیت زندگی انجام شد. یافته‌ها نشان داد، تاب‌آوری نقش مهمی در افزایش بهزیستی روان‌شناختی و کیفیت زندگی در شرایط استرس‌زا و تحت فشار را دارد.
رینگ و همکاران (۲۰۱۶)	پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تاب‌آوری و کیفیت زندگی بر روی یک شرایط بیماری مزمن (صرع) انجام شد. یافته‌ها نشان داد، افراد تاب‌آور کیفیت زندگی بالاتری را تجربه می‌کنند.

باتوجه به ادبیات نظری و تجربی طرح شده در سطور پیشین، فرضیه‌های زیر در این تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرد: ۱- بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی مهاجران افغان رابطه وجود دارد. ۲- بین تاب‌آوری روان‌شناختی و کیفیت زندگی مهاجران افغان رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر در قالب یک مدل نظری است و روش تحقیق آن از نظر هدف، بنیادی و از نظر گردآوری اطلاعات، توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مهاجران افغان ساکن در دو محله فیروزآباد و غنی آباد شهرستان ری به تعداد ۳۸۵ می‌باشند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و براساس جدول مورگان ۱۸۵ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. از آنجایی که طرح این پژوهش در حیطه تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی جای دارد، بدین ترتیب هیچکدام از متغیرهای تحقیق مورد دستکاری واقع نشده‌اند و فقط به اندازه‌گیری و بررسی آن‌ها پرداخته شده است.



ایزار جمع‌آوری داده‌ها، در پژوهش حاضر پرسشنامه بود. برای بررسی و ارزیابی سرمایه اجتماعی در سه سطح شناختی، ساختاری و ارتباطی از پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) بهره گرفته شد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر بر پایه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۶۸ برآورد شده است. جهت سنجش متغیر تاب‌آوری نیز مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) به کار گرفته شد و آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه، ۰/۷۷ تعیین گردید. همچنین برای ارزیابی کیفیت زندگی، فرم کوتاه مقیاس ارزیابی کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) مورد استفاده قرار گرفت که در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه نیز، ۰/۸۷ برآورد شده است.

## یافته‌ها

در این قسمت اطلاعات توصیفی پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه بیان گردیده است.

جدول ۲- توزیع سنی پاسخ‌دهندگان مهاجران افغان

گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۵-۲۴	۷۲	۳۸/۹۱	۴۶/۷
۲۵-۳۵	۴۶	۲۴/۸۶	۷۲/۲
۳۶-۴۴	۳۲	۱۷/۲۹	۸۸/۹
۴۵-۵۵	۲۰	۱۰/۸۱	۹۸/۹
بیشتر از ۵۵	۱۵	۸/۱	۱۰۰
جمع	۱۸۵	۱۰۰	۰

طبق جدول شماره ۲ از لحاظ سنی از کل حجم نمونه جامعه مورد مطالعه، ۳۸/۹۱ درصد بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۴/۸۶ درصد بین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۱۷/۲۹ درصد بین ۳۶ تا ۴۴ سال، ۱۰/۸۱ درصد بین ۴۵ تا ۵۵ سال و ۸/۱ درصد بیشتر از ۵۵ سال داشته‌اند.

جنسیت پاسخ‌دهندگان	فراوانی	درصد
--------------------	---------	------

1. Social Capital Questionnaire

2. Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)

3. WHOQOL-BRIF

مرد	۸۳	۴۴/۸۶
زن	۱۰۲	۵۵/۱۳
جمع	۱۸۵	۱۰۰

جدول شماره ۳- جنسیت پاسخ‌دهندگان

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌کنید پاسخ‌دهندگان زن با ۵۵/۱۳ درصد، اکثریت پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده‌اند و پاسخ‌دهندگان مرد نیز ۴۴/۸۶ درصد از پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۴- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری و کیفیت زندگی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه اجتماعی	۳۲/۰۵	۷/۴۱
تاب‌آوری	۱۱۲/۱۹	۲۱/۰۰
کیفیت زندگی	۳۱۷/۰۵	۳۸/۴۸

نتایج جدول ۴ نشان داد که میانگین متغیر سرمایه اجتماعی ۳۲/۰۵، تاب‌آوری ۱۱۲/۱۹ و بهزیستی روان‌شناختی ۳۱۷/۰۵ می‌باشد.

جدول ۵- ضرایب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری با کیفیت زندگی

متغیرها	کیفیت زندگی	
	<b>r</b>	<b>sig</b>
سرمایه اجتماعی	۰/۵۸	۰/۰۰۱
تاب‌آوری	۰/۴۰	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری با کیفیت زندگی، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد؛ بنابراین، بین سرمایه اجتماعی ( $F=۰/۵۸$ ) و تاب‌آوری ( $F=۰/۴۰$ ) با کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۹۹ اطمینان وجود دارد.

جدول ۶- نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی کیفیت زندگی از روی مقیاس‌های سرمایه اجتماعی و

تاب‌آوری

گام‌ها	الگو	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	مجدور تی	بی	بتا	F(df)	سطح معنی-داری
اول	سرمایه اجتماعی	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۳۳	۸/۵۱	۰/۵۵	۱۰/۹۱	۰/۰۰۱
دوم	سرمایه اجتماعی	۰/۶۳	۰/۵۱	۰/۵۰	۶/۳۷	۰/۳۵	۰/۴۵	۰/۰۰۱
		تاب‌آوری		۵/۶۳	۰/۳۳	۰/۲۳	۷/۳۷	

نتایج مندرج در جدول ۶، مقدار ضرایب تعدیل شده، حاکی از میزان تغییرات کیفیت زندگی را براساس سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری نشان می‌دهد. در گام اول سرمایه اجتماعی وارد معادله شد و توانست به میزان ۰/۳۴ درصد واریانس کیفیت زندگی را تبیین کند. در گام بعدی، تاب‌آوری وارد معادله شد و توانست به همراه سرمایه اجتماعی ۰/۵۰ درصد واریانس کیفیت زندگی را تبیین کند. میزان F مشاهده شده نیز برای کل متغیرهای پژوهش در سطح ۰/۰۰۱ گویای مناسب بودن مدل رگرسیون برازش شده و معنادار بودن معادله محاسبه شده است. همچنین با توجه به اینکه  $\beta$  ضریب استاندارد شده رگرسیون است، مشخص می‌گردد که تاب‌آوری و کیفیت زندگی به ترتیب با ضریب تبیین ۰/۵۸، ۰/۴۵، مثبت، و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

### بحث

مهاجرت تنها انتقال مردم از محلی به محل دیگر نیست، بلکه با توجه به تحولاتی که در نگرش‌ها، فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی افراد ایجاد می‌کند، عنصر مهمی در زندگی اجتماعی است که برای درک و فهم دگرگونی مستمر در پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع از اهمیت بسیار برخوردار است (احمدرش، عیدی، ۱۳۹۶، ص ۵۳). پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران نیز یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که سنتی دیرینه دارد. علی‌رغم زبان، دین مشترک و وجود تشابهات فرهنگی در میان این

دو ملیت که می‌تواند احساس غربت و بیگانگی کمتری را به مهاجران و جامعه میزبان القا کند، اما مشاهدات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد با وجود حضور سه نسل از مهاجران افغانی در کشور، این گروه از افراد تجربه‌های تلخی در تعاملات و ارتباطات گروه-های دوستی، کاری، اجتماعی تجربه کرده‌اند. در چنین شرایطی اگر مهاجر از اعتماد به نفس و هویت فردی استواری برخوردار نباشد، احساس نوع پوچی، بی‌ارزشی، بیگانگی و نهایتاً خود گم‌کردگی خواهد کرد (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸، ص ۱۰ و ۲۵).

از این رو می‌توان گفت مهاجرین افغان به دلیل مشکلات مالی، اجتماعی و روان‌شناختی خاصی که با آن رو به رو هستند، کیفیت زندگی پایین تری دارند. حال اگر مهاجران با وجود تغییرات ناشی از مهاجرت، شرایط متفاوتی مانند پذیرش از سوی افراد جامعه مقصد، ارتباط با آن‌ها، اعتماد و مشارکت اجتماعی را تجربه کنند، و از سوی دیگر با دارا بودن ویژگی شخصیتی تاب‌آوری توان کنار آمدن با شرایط دشوار را در خود افزایش دهند، ممکن است احساس ایمنی و آرامش بیشتری نمایند و در نهایت کیفیت بالایی از زندگی را تجربه نمایند. بر این اساس هدف اصلی پژوهش نیز پاسخ به این سوال بود که آیا ارتباطی میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی وجود دارد و در صورت وجود ارتباط، میزان تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی بر کیفیت زندگی مهاجران چقدر است.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد، بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی مهاجران افغان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های باسیتی (۱۳۹۹)، کاوه‌فیروز، جواهری و نبی‌زاده (۱۳۹۹)، لقمان، سعیده زرابادی و بهزادفر (۱۳۹۸)، کوزه‌گر کالجی، اسکندرپور و درزاده مهر (۱۳۹۸)، گائو، یانگ، لیو، رن، دانپینگ لیو، لی (۲۰۱۸)، همودان و همکاران (۲۰۱۴)، همسو و هماهنگ است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، از نظر بوردیو تعامل و پیوستگی متقابل بین کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده این است که کیفیت زندگی پایین، فرآیند تبدیل و بازتولید اشکال چهارگانه سرمایه (سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادین) را با مشکل مواجه می‌سازد؛ زیرا که نبودن هر کدام از اشکال سرمایه، به‌ویژه سرمایه اجتماعی که نمود و نمای آن را در حوزه و میدان روابط اجتماعی باید دید، فرایند مزبور را به لحاظ بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در روابط اجتماعی محدود می‌کند و برخورداری از شاخص‌های رفاهی مربوط به کیفیت زندگی را در مقیاس‌های عینی و ذهنی دچار نقصان می‌سازد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی فرد نشان-دهنده ارزش جایگاه فرد در شبکه‌های اجتماعی گوناگون می‌باشد و همین جایگاه است که میزان

بهره‌مندی فرد از کیفیت‌های مطلوب زندگی را مشخص می‌کند (بورديو، ۱۳۶۵). در این راستا و با توجه به اینکه کیفیت زندگی توجه به شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی، روانی در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی شهری (مثل شرایط تحصیل بهتر، کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای گذران اوقات فراغت، ایجاد فرصت‌هایی برای کنش متقابل اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی، اشتغال، رفاه، مشارکت اجتماعی) می‌باشد (لقمان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۳۴)، از این رو، سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل کنش‌های فردی و جمعی، تأثیر بر بهداشت عمومی، بهبود بهداشت روانی و شرایط روحی، ایجاد شرایط اجتماع‌پذیری و حمایت اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی در ادراک افراد در ارتباط با هم و محیط زندگی‌شان ایفا کند (براتی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۲، ص ۲۹۴). بنابراین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در جامعه مهاجران افغان دارای ارتباط دیالکتیک و همبستگی مثبت بوده و همدیگر را بازتولید می‌کنند.

نتایج تجزیه تحلیل داده‌های پژوهش مشخص ساخت که بین تاب‌آوری روان‌شناختی و کیفیت زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های حسینی‌نیا، حاتمی (۱۳۹۸)، عیسی‌نژاد، حیدریان (۱۳۹۸)، ایدلخانی، حیدری (۱۳۹۵)، هایماواتی، ساراسواتی (۲۰۱۸)، رینگ و همکاران (۲۰۱۶) و ژو، او (۲۰۱۴)، همسو و هماهنگ می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت تاب‌آوری نوعی مصون‌سازی در برابر مشکلات روانی-اجتماعی بوده و شامل الگوهای مثبت تطابق در مقاومت برابر مشکلات است که این تطابق به مرور زمان پیشرفت می‌کند و کارکردهای مثبت زندگی را افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر، تاب‌آوری به عوامل و فرایندهایی اطلاق می‌شود که شامل شایستگی فردی، اعتماد به نیروهای درونی، پذیرش تغییرات به‌عنوان عامل مثبت و تأثیرات معنوی می‌باشد و خط سیر رشدی را از خطر به رفتارهای مشکل‌زا و آسیب روان‌شناختی قطع کرده و به رغم وجود شرایط ناگوار به پیامدهای سازگارانه، سلامت روان، کیفیت زندگی و رضایت بیشتر از زندگی منتهی می‌گردد (ایدلخانی و حیدری، ۱۳۹۵، ص ۷۰ و ۷۱). در این راستا و با توجه به اینکه مفهوم کیفیت زندگی عموماً شامل چهار بعد فیزیکی (قدرت، انرژی، توانایی انجام فعالیت‌های روزمره و مراقبت از خود)، روانی (اضطراب، افسردگی و ترس)، اجتماعی (رابطه فرد با خانواده، دوستان، همکاران و جامعه)، روحی (درک فرد از زندگی و هدف و معنای زندگی) می‌باشد (کاوه‌فیروز و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳۶)، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مهاجران تاب‌آور نیز با دارا بودن ویژگی‌هایی چون ویژگی‌های شخصیتی باز بودن، برون‌گرایی،

موافق بودن، منبع کنترل درونی، خودکارآمدی، عزت نفس، تعبیر مثبت داشتن از وقایع، داشتن عملکردی عقلانی، انعطاف‌پذیری شناختی، دلبستگی اجتماعی، خودپنداره مثبت، خودگردانی هیجانی، احساسات مثبت، معنویت، کنارآمدن و مفید بودن، سخت‌رویی، تدبیر، درایت و سازگاری از طریق حل مسئله، افزایش همدلی، ایجاد نگرش مثبت (زارع و مهمان‌نواز، ۱۳۹۴، ص ۴۷)، زمینه افزایش و بهبود کیفیت زندگی ایشان را در پی خواهد داشت.

### منابع

- احمدرش، رشید و عیدی، معصومه. (۱۳۹۶). زیستن در وضعیت پاندولی؛ مطالعه جامعه‌شناختی تجارب زیسته مهاجران افغان در ایران (مطالعه موردی: تجارب زیسته مهاجران افغان ساکن در محله کشتارگاه یزد). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۹)، ۵۱-۶۸.
- اخلاقی، آمنه؛ یوسفی، علی و صدیق‌عوری، غلامرضا. (۱۳۹۵). سردی عاطفی؛ احساسات مهاجر درباره جامعه میزبان با تکیه بر روایت‌های مهاجران افغان ساکن مشهد. مسائل اجتماعی ایران، ۱(۷)، ۵-۲۹.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- اشرف‌نظری، علی؛ نظری‌مجد، محسن. (۱۳۹۰). کارکردهای هویتی پیش‌داوری و تصورات قالبی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)، فصلنامه مطالعات ملی، ۴(۱۴)، ۷۵-۹۴.
- ایدلخانی، شیرین و حیدری، حسن. (۱۳۹۵). سنجش اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر سلامت روان و کیفیت زندگی همسران جانبازان. فصلنامه روانشناسی نظامی، ۲۷(۷)، ۶۷-۸۰.
- ایمانی، بهرام؛ باختر، سهیلا و خوش‌رفتار، عبدالرضا. (۱۳۹۴). بررسی و ارزیابی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی. پژوهش‌های روستایی، ۴(۶)، ۸۷۵-۸۹۴.
- باسیتی، شهرام. (۱۳۹۹). نقش سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی فعالان عرصه تعاون شهر دامغان، تعاون و کشاورزی، ۳۶(۹)، ۷۱-۹۲.
- براتی، ناصر و یزدان پناه شاه‌آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۲). ارزیابی سرمایه اجتماعی به‌عنوان عامل اساسی در ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهای جدید، نمونه موردی: شهر جدید پردیس. معماری و هرسازی، ۱۵؛ ۲۸۹-۲۹۹.
- بشیر، حسن و کشانی، محمدرضا. (۱۳۹۸). ارتباطات میان‌فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم‌فرهنگی، فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، ۴۱(۱۴)، ۹-۳۰.

- بوردیو، پیر. (۱۳۸۵). شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین پاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- بوردیو، پیر. (۱۳۶۵). شکل‌های سرمایه، در مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: شیرازه.
- پانتام، رابرت؛ فوکویاما، فرانسیس؛ پورتس، آلهاندرو؛ افه، کلاوس؛ تاجبخش، کیان؛ بوردیو، پیر؛ کلمن، جیمز سیموئل و ولکاک، مایکل. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه پاکباز، افشین و پویان، حسن، تهران: نشر شیرازه.
- جلیلی، علی و حسینیچاری، مسعود. (۱۳۹۰) تبیین تاب‌آوری روان‌شناختی بر حسب خودکارآمدی در دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار. رشد و یادگیری حرکتی - ورزشی، ۹، ۱۳۱-۱۵۳.
- حسینی‌نیا، نرگس و حاتمی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی کیفیت زندگی بر مبنای بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری در بازنشستگان، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱(۷۵)، ۸۱-۹۱.
- خامه‌چی، حامد و رنگریز، حسن. (۱۳۹۸). فراتحلیل پیامدهای سرمایه اجتماعی، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۴(۶)، ۶۰۳-۶۲۴.
- رداد، محسن (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی و ایثار: رویکردی قرآنی. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۲(۷)، ۱۵۵-۱۷۰.
- روحانی، علی؛ انبارلو، مسعود. (۱۳۹۶). کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری عواطف جوانان از بازار اشتغال افغان‌های مقیم شیراز، مسائل اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۷۶-۱۰۲.
- زارع، حسین؛ مهمان‌نواز، اشرف. (۱۳۹۴). تأثیرآموزش دلگرم‌سازی بر ارتقاء خودکارآمدی عمومی و تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار. مجله مطالعات زن و خانواده، ۴(۴)، ۳۷-۵۷.
- زارعی متین، حسن؛ قنبری، علی اکبر و قانع، مرضیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش عاطفی و سرمایه اجتماعی در تشکلهای مردم‌نهاد (NGOs)، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱(۲)، ۲۲-۱.
- سبزه‌ای، محمدتقی؛ سلیمانی، عادل؛ یوسفی، نجم‌الدین. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری اجتماعی روستاییان در مخاطرات محیطی (با تأکید بر خشکسالی)، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۴(۸)، ۲۸۳-۳۱۰.

صادقی‌فسا، سهیلا و نظری، حامد. (۱۳۹۵). بچه افغانی: شکل‌گیری تصور از خود و دیگری در تجربه‌ی زندگی روزمره نوجوانان افغان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران، ۳(۵)، ۴۳۷-۴۵۶.

علی‌اکبری صومعه، جواد؛ زارعی‌متین، حسن؛ میره‌ای، محمد و یزدانی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای توسعه سرمایه روان‌شناختی با محوریت سرمایه اجتماعی در سطح شهری در شهر کرج، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۲(۷)، ۱۹۵-۲۱۴.

عیسی‌نژاد، امید و حیدریان، منصور. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر بهبود کیفیت زندگی زناشویی و تاب‌آوری خانواده آزادگان (اسرای جنگی)، مجله طب نظامی، ۵(۲۲)، ۴۱۰-۴۲۰. غفاری، غلامرضا و امید، رضا. (۱۳۹۰). کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

قادری، احمد و تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی شهروندان شهر سقز، مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۹(۵)، ۱۱۱-۱۲۶.

کاوه فیروز، زینب (۱۳۹۰). بررسی ساختارهای جمعیتی، اجتماعی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی سالمندان شهر تهران، پایان‌نامه دکترای رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

کاوه فیروز، زینب؛ جواهری، فاطمه و نبی‌زاده، محمد. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در بین سالمندان ساکن منازل و آسایشگاه‌های شهر تهران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۲۹(۱۵)، ۳۳-۶۰.

کوزه‌گر کالجی، لطفعلی؛ اسکندرپور، مجید و درزاده مهر، عبدالباسط (۱۳۹۸). تحلیلی بر رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهری، مورد پژوهی: محله هفت‌چنار تهران، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۲۹(۸)، ۲۱-۳۴.

لقمان، مونا؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات؛ بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر متقابل مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در محله‌های شهری با استفاده از معادلات ساختاری، دو فصلنامه معماری ایرانی، ۱۵، ۲۱۷-۲۴۰.

محمدیان، مهرداد؛ دادفر، محبوبه؛ بوالهروی، جعفر و کریمی‌کسیمی، عیسی. (۱۳۸۴). غربال‌گری اختلال‌های روانی در مهاجران افغان مقیم ایران، اندیشه و رفتار، ۳(۱۱)، ۲۷۰-۲۷۷.



مهدی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۵)، رابطه تاب‌آوری و خودکارآمدی با رضایت از رشته تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

میرخلیلی، سید محمود؛ حیدری، مسعود. (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کاهش بزهکاری (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دو منطقه شهر اصفهان). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۲(۷)، ۲۱۵-۲۳۰.

## References

- Abbasi-Shavazi, M., & Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural Adaptation of Second-generation Afghans in Iran, *International Migration (IOM)*, 53 (6): 89-110.
- Anderson, B. (2005). *Social capital, quality of life and information and communication technologies*, Routledge Research.
- Bernard, B. (1991), *Fostering resiliency in kids: Protective factors in the family, school & community*, Department of Education: Washington, DC.
- Campbell, A., Converse, P., & Rodgers, W. (1976). *The Quality of American life: Perceptions, Evaluations and Satisfaction*. New York: Russel Sage Foundation.
- Carter, J. D. (2006). Individual differences in the acceptance of Stereotyping, *Journal of Research in Personality*, 14(6), 1103-1118.
- Coleman, J. (1990). *Foundations of Social Theory*, Cambridge: Harvard University Press.
- Conner. K. M & Davidson, j.r.t. (2003). *Development of a new resilience scale: The Conner- Davidson resilience scale (CD-RISC)*. *Depression and Anxiety* 18, 76-82.
- Epley, R. D., & Menon, M. (2008). A Method of Assembling Cross Sectional Indicators into a Community Quality of Life, *Social Indicators Research*, 88(2), 281\_296.
- Field, J. (2003). *Social Capital, London: Routledge Pub.*
- Foo. T.S. (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997- 1998), *Habitat International*, 24(10), 31\_49.
- Gao, B., Yang, S., Liu, X., Ren, X., Liu, D., & Li, N. (2018). Association between social capital and quality of life among urban residents in less developed cities of western China: A cross-sectional study. *Medicine*, 97(4), 45\_70.
- Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L. (2004). The Role of Social Capital in Financial Development. *American Economic Association*, 94(3), 526\_556.

- Greeley, A. (1997). Coleman revisited: Religious Structure as a source of Social capital, *The American Behavioral scientist*, 40(5), pp 587-594.
- Grieco, E. M & Cassidy, R. C, (2001), *Overview of race and Hispanic origin*. U.S. Census Bureau Web site.
- Hodes, R., Hung, L., & Fang, R. (2008). Social capital at World Bank: strategic and operational Implications of the concept, social development strategy, World Bank.
- Hamudan, H. Yusof, F. & Marzukhi, M. A. (2014). Social Capital and Quality of Life in Urban Neighborhoods High Density Housing. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 153: 169-179.
- Hymavathi, K., & Saraswathi, AB. (2018). A study on the concept of quality of work life with respect to jute industry: A literature review. *Int J Civil Engin Technol (IJCIET)*. 9(1):597-607.
- Liu, B. (1976). *Quality of life indicators in U.S metropolitan areas: A statistical analysis*, New York: Rutledge.
- Luthar, SS., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71(3):543-562.
- Ong, AD., Bergeman CS., Bisconti TL., & Wallace, KA. (2006). Psychological resilience, positive emotions, and successful adaptation to stress in later life. *Journal of Personality and Social Psychology*. 91(4): 730–749.
- Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Measuring social capital in five communities. *The Journal of Applied Behavioural Science*, 36(1), 23-42.
- Pouw, L. B., Rieffe, C., Stockmann, L., & Gadow, K. D. (2013). The link between emotion regulation, social functioning, and depression in boys with ASD. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 7(4), 549-556.
- Ring, A., Jacoby, A., Baker, G. A., Marson, A., & Whitehead, M. M. (2016). Does the concept of resilience contribute to understanding good quality of life in the context of epilepsy?. *Epilepsy & Behavior*, 56, 153-164.
- Schmit, R.(2002). Considering Social Capital in Quality of Life Assessment: Concept and measurement, *Social Indicators Research*, 58, 403-428.
- UNAMA. (2017). *Afghanistan: Protection of Civilians in Armed Conflict*. Mid-year Report, Afghanistan, Kabul.
- Vilanova, P. T., & Josa, R. T. (2003), *Social capital as a managerial phenomenon*. Department of Industrial Engineering & Management, Tampere university of Technology.

- World Bank. (2004). *The World Bank and the Copenhagen Declaration: Ten Years after, Social, Development Department and Environmentally and Socially Sustainable Development*.
- Xu, J., & Ou, L. (2014). Resilience and quality of life among Wenchuan earthquake survivors: the mediating role of social support. *Public health*, 128(5), 430- 437.